**تفسیر سوره مبارکه قدر**

**با محوریت حقیقت شب قدر**

برگرفته از مباحث استاد طاهرزاده

 **تقدیم به شیواترین کلام ، رساترین نوا ، ماندگارترین ذکر و دل انگیزترین معجزه ی هستی ، قرآن ناطق عصر**

**مولانا صاحب الزمان (عج)**

*بسم الله ارحمن الرحیم*

سوره مبارکه قدر ، تالی تلو سوره مبارکه توحید است یعنی ارتباط بسیار نزدیکی با این سوره دارد ؛ و عموماً نسبت به این دو سوره بسیار سفارش شده چرا که در این دو سوره به بندگی تاکید شده است و اگر بخواهیم بنده بمانیم باید معرفتهایی که مربوط به این سوره هاست در جانمان تثبیت کنیم. تفسیر این سوره مبارکه را با یک مقدمه شروع می کنیم :

عقیده خوب مورد پسند خداست یعنی اگر عقیده ، سالم باشد قلب ، مورد توجه خدا قرار می گیرد و اگر قلب مورد توجه خدا قرار گرفت ، آن وقت خدا آن قلب را به معارف بهتری سوق می دهد. معرفت وعقیده با قلب ما گره می خورند و با قلب ما متحد می شوند. پس عقیده ما یعنی قلب ما و قلب ما یعنی خود ما؛ لذا عقیده خوب ، یعنی انسان خوب . خداوند به عقیده پاک نظر دارد.

در قرآن در مورد عقیده به دو طریق به انسان دستور داده شده است: 1- بدان 2-بخواه . پس اول باید دانستن صحیح را دارا شویم . برای مثال در سوره حمد در آیه های ابتدایی ، انسان دارایی اش را ارائه داده و در آیه های وسط سوره ، درخواستش را ارائه می دهد. در آیه های ابتدایی سوره حمد، انسان می فهمد که خدا رحمن و رحیم است ،حمد مخصوص اوست و مالک روز جزاست یعنی اول باید عقیده ی خوب داشت . عقیده ، خودش ایجاد کننده است . در دستورات دینی گفته شده که اگر با نیت شفا ، سه مرتبه سوره توحید خوانده شود چنانچه مصلحت باشد مریض شفا می یابد. یعنی باید نیت شفا کرد که کار مشکلی است ولی غیر ممکن نیست -خواستن توانستن است- شما نیت شفا می کنید اما نباید انتظار شفا داشته باشید.قل هو الله احد، یک عقیده است.عقیده ی توحیدی هم مثل خود توحید،نافذ است.اگر عقیده ی شما توحیدی باشد ، کاملاً متوجه می شوید که هیچ چیز جلوی قدرت الهی را نمی گیرد و همچنین هیچ چیز جلو انسان موحد را نمی گیرد. مقام انسان موحد مقام " عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی " می شود[[1]](#footnote-1) و مثل اراده خدا اراده می کند.

فیلسوفان می گویند یک عقل نظری و یک عقل عملی داریم . انسان باید خوب بفهمد و خوبیها را بفهمد و باید خوب عمل کند و خوبیها را عمل کند . سوره های مبارکه توحید و قدر دانایی عالی را نصیب ما می کنند. اگر شما بفهمید که امکان نازل شدن یک شبه ی قرآن بر قلب و همچنین نازل شدن ملائکه و روح در قلب وجود دارد و به عقیده خودتان محکم بایستید همین فهم شما باعث جذب می شود. یعنی اگر مطمئن شوید که در شب قدر ملائکه و روح نازل می شوند همین اطمینان باعث جذب ملائکه می شود. قلب ، قدرت جذب دارد . قلب پیامبر (ص) ، جبرئیل جذب می کند و قلب ما به اندازه خودش قدرت جذب دارد. اگر ما جذب دنیا شده باشیم که در اینصورت قلبی نداریم که بخواهد قدرت جذب داشته باشد. مثل چراغی است که شکسته و سوخته است. قدرت قلب ، قدرت جذب عالم غیب است. اگر قلب، معرفت یقینی به عالم غیب پیدا کرد عالم غیب را جذب می کند. حال برای اینکه بتواند معرفت یقینی به عالم غیب پیدا کند باید دو عمل را انجام دهد: 1- بفهمد 2- آنچه را فهمیده تکرار کند. دلیل اینکه تاکید شده است که سوره ی قدر را زیاد تکرار کنید تثبیت معرفت است. فهم سوره در کلاس و مدرسه است اما فهم بعد از مدتی باید عقیده شود و لازمه ی آن تکرار زیاد است. مثلاً یکی از دستورات ماه رجب خواندن سوره قدر -هر شب تا صد مرتبه -است. عموماً می بینیم سوره توحید و قدر در کنار هم هستند. نمونه شاخص آن نماز اول هر ماه است که دو رکعت است و در رکعت اول 30 مرتبه توحید و در رکعت دوم 30 مرتبه قدر خوانده می شود . این دو سوره عقیده اند. گاهی انسان سوال می کند که به چه دلیل باید مرتبا بخوانیم؟در جواب می گویند که باید بخوانیم تا عقیده مان شود. گاهی اوقات یک موضوع را قبول داریم اما گاهی یک موضوع ،عقیده ی ما میشود این دو با هم متفاوتند . تکرار موجب تعمق می شود و تعمق ، کار حکیمان است. عکس این عمل جمع آوری است اینکه خیلی بدانیم ولی سطحی بدانیم کار حکیمان نیست. از امام علی (ع) روایت داریم که روی یک مطلب تامل کن و زود نگذر تا حکیم بشوی.

شاید بدانید سوره قدر یکی از سوره های سرّی قرآن است. این سوره بسیار پیچیده است چون از سور توحیدی است و هر چیزی که اشاره به مقام توحید داشته باشد پیچیده است. خدا چیزی نیست که در راحتی بدست بیاید.

**آیه 1. انا انزلناه فی لیله القدر: ما این قرآن را در شب قدر نازل کردیم.** قرآن که همه ی اسرار عالم هستی است در شب قدر نازل شده است. حالا این سوال پیش می آید که قرآن چیست؟ قلب چیست؟ قلب نه گوش است و نه چشم. قلب فقط قلب است مثل حضرت جبرئیل یک شکل و شمایل بیرونی صرف نیست بلکه فقط می توانیم بگوییم که هست.[[2]](#footnote-2). نزل به الروح الامین علی قلبک لتکون من المنذرین[[3]](#footnote-3) (آنرا روح الامین نازل کرده است بر دل تو تا از بیم دهندگان باشی). از آنجا که می دانیم بر قلب ، حقایق نازل می شود نه الفاظ لذا می فهمیم که اسرار عالم هستی بر قلب پیامبر نازل شده نه الفاظ عالم هستی. قرآن به دو طریق نازل شده:1-نزول دفعی 2-نزول تدریجی

قرآن در یک شب قدر بر جان پیامبر دفعتا نازل شده است،منظور از نزول دفعی قرآن این است که یک مرتبه مقام غیبی قرآن که مقام وحدت کامل است با جان پیامبر متحد شد.نزول تدریجی در طی 23 سال انجام شد،البته در طی این 23 قرآن از طریق حضرت جبرئیل -الفاظ و معانی -بر قلب پیامبر نازل می شد. اما قبل از 23 سال، اولین روز نزول تدریجی قرآن بر پیامبر روز مبعث بوده. در سوره طه نیز بحث شد که در یکی از آیه ها خطاب می فرماید ای پیامبر وقتی جبرئیل آیات را برای تو می خوانَد عجله نکن که بخواهی زودتر بخوانی.

 حتماً قبل از نزول تدریجی باید کل قرآن در قلب پیامبر باشد به دلیل آن که اگر یک آیه از قرآن را بداند و بعد بگوید من پیغمبرم، نسبت به بقیه‌ی آیات جاهل می‌شود و کسی هم که جاهل شود نمی‌تواند هدایت مطلقه بکند و حتماً حرفش دارای نقص است و این در حالی است که در هدایت پیامبر نمی‌تواند نقصی وجود داشته باشد. پس اولین آیه ای که در روز مبعث نازل شد اولین ظهور تدریجی و لفظی قرآن است. آیه 106 سوره مبارکه اسراء به آن اشاره دارد.[[4]](#footnote-4) در اینجا می فرماید آیات را جدا کردیم تا بتوانی برای مردم بخوانی پس معلوم می شود که قرآنی که شب قدر نازل شده را نمی توان برای مردم خواند ، فقط می شود فهمید.

حال می خواهیم ببینیم شب قدر چه موقع است؟ در آیه 184 سوره مبارکه بقره داریم " شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن" پس شب قدر که قرآن در آن نازل شده در ماه رمضان است که حقیقت معنوی قرآن یکجا در آن شب بر قلب انسان کامل نازل می شود. توصیه من این است که سوره مبارکه قدر را در رکعت اول نمازها بخوانید چون انشاءالله حامل معارفی می شوید که با تکراراین سوره در یک دنیای دیگری سِیر خواهید کرد. سیر، موجب ایجاد اتحاد می شود. وقتی شما در عالم بالا سیر کنید با آن عالم متحد می شوید. چرا شما وقتی چند بار زیارت عاشورا می خوانید تمام حالاتی که برای ابا عبدالله در صحرای کربلا می گذرد گویی شما هم حس می کنید. سیر زیارت عاشورا اتحاد با اباعبدالله است . پس شب قدر شبی است که بر قلب انسان کامل –که ظرفیت بالایی دارد- قرآن یکجا نازل می شود و قرآن چیزی نیست که ما بتوانیم کل حقیقت آنرا بفهمیم . قرآن اسرار مطلق ، متقن و محکم عالم هستی است.ما ، در حد وسعت وجود خودمان قرآن را دریافت می کنیم.

حال این سوال پیش می آید که چه سرّی است که گاهی افرادی که سالها با قرآن زندگی می کنند یک مرتبه مثلاً یک آیه از سوره مبارکه شعراء آنچنان جذبشان می کند که از حال خود بیخود می شوند؟ قرآن اسراری است که نازل شده است وظاهر آن هم همین صورت لفظی است ولی اصل قرآن معنا\_حقیقت\_ آن است . در روایات نیز هست که اینها پوسته قرآن می باشد لذا لفظ با معناست که خیلی ارزش دارد. البته چون پشت این الفاظ معناست پس به اعتبار معنا لفظ نیز برای ما ارزشمند است برای همین اگر بدون وضو دست به الفاظ قرآن بزنید عمل حرام انجام داده اید.

از فرمایشات علامه (ره) در مورد آیه اول استفاده می کنیم و به صورت خیلی دقیق و منظم روی آن بحث می کنیم و در ذهن سپرده و تکرار می کنیم تا خوب در ذهن بماند . حکیم آن نیست که بداند ، حکیم آن است که عمیق بداند. ایشان می فرماید که در آیه 30 سوره مبارکه دخان قرآن می فرماید : قسم به کتابی که بسیار همه چیز را روشن می کند که ما آن را نازل کردیم در یک شب پر برکت . برکه یعنی جایی که آب زیادی هست که می توان از آن استفاده کرد. مبارک یعنی جای پربرکت یا شهر پر برکت .

چرا شب قدر به این نام نامیده شده است؟ چون شب قدر شب تقدیر و اندازه گیری است. شب تقدیر و اندازه گیری یعنی چه؟ یک مثال می زنیم: آب دریا در خانه های همه ما هست چون این آب بخار شده ، به هوا رفته ، باران شده و به شکلی در خانه های ما وجود دارد.آب دریاست اما پیش دریا نیست و برای هرکسی به اندازه ی ظرفش\_کاسه اش\_ آمده است. همچنین یک قطره اش هم آب دریاست مثل وقتی که می گوییم یک قطره آب همانقدر تر است که یک دریا تر است ولی یک دریا آب یک دریا تری است. پیامبر و ما هردو در شب قدر غیب بدست می آوریم هر دو مزه غیب را می چشیم ، هر دو درهای آسمان به رویمان باز می شود و هر دو از معنویت برخوردار می شویم ، اما یک کسی به اندازه کل قرآن و کسی به اندازه جزئی از قرآن. حال پرسیده می شود شب قدر قرآن به شکل کلی و معنوی نازل شد یا جزئی و گسترده و لفظی؟ شب قدر همه قرآن بصورت کلی و معنوی بر قلب پیامبر نازل شد ولی آن زمان هنوز سوره ها بصورت جداگانه نبودند ، فقط قرآن بود . حالا بر قلب بقیه مومنین به اندازه ظرفیتشان نازل می شود. پس شب قدر همه مومنین با شدت و ضعف متفاوت قرآن را دارند ولی یکی قرآن را با تمام اسرار برین و یکی قرآن را با یک نور نازله می گیرد. لذا در شب قدر هر کسی به اندازه قَدرش از اسرار غیب\_قرآن\_ بهره مند می شود.

قرآن در شب قدر به شکل لفظ و جداجدا بر پیامبر نازل نشد بلکه بصورت یک حقیقت که همه اسرار را درونش داشت نازل شد لذا برای نازل شدنش زمانی لازم نبود.[[5]](#footnote-5)

شب قدر، شبی است که اندازه ها را می دهند یعنی خدا فیضش را جزءجزء می کند و هر کسی به اندازه ظرفیتش از خداوند متعال فیض دریافت می کند وگرنه دریای بیکران رحمت الهی نامتناهی است.

نازم آن صاحب نظر ساقی بزم جام را هرکسی را می به استعداد در پیمانه ریخت

 از آنجا که پیامبر هیچ منیتی نداشت و قلبش تنگ نبود -بلکه به وسعت انسانیت بود -به وسعت اسرار هستی ،قرآن بر او نازل شد. ما نیز باید گداهای خوش آبروی عاقلی باشیم ، دست خودمان است ، به اندازه ای که خودمان را از خودخواهی ها آزاد کنیم از قدر برخوردار می شویم. حال می خواهیم ببینیم که در شب قدر که به ما قرآن می دهند چه چیزی بدست می آوریم که خداوند اینقدر به آن اصرار دارد وبه آن افتخار می کند. در دهه ی اول ماه مبارک رمضان هنوز خام هستیم ، در دهه ی دوم هنوز خام هستیم ، در دهه ی سوم ماه رمضان بر قلب زلال، قرآن می دهند و به اندازه قدرمان قرآن-اسرار عالم هستی- بدست می آوریم.

اگر خداوند در شب قدر ذره ای از آنچه بر قلب های عالیه نازل کرد بر ما نازل کند به تدریج چشم ما بصیر می شود و چشمی که بصیر شد، اسرار عالم را می فهمد. مشکل بشر امروز بی امام زمانی است .قلب امام زمان ، حامل همه ی اسرار شب قدر است و جالب این است که اهل سنت هم این بحث ها را تا حدی پذیرفته اند .

چرا سوره قدر را می خوانیم ؟ چون در سوره ی قدر به قلبمان تفهیم کنیم که تمام اسرار قَدَر ، در قرآن است پس در واقع در سوره ی قدر چشم شما به قرآن افتاده است و اینکه می فهمید اسراری پشت این پرده هست که هرچه این اسرار را بیشتر می فهمید ، می توانید درست تر زندگی کنید. گرچه این اسرار را در هیچ دانشگاه و خانقاه و هیچ مکانی نمی توان گفت چون لفظی نیست. چرا مومنین واقعی به دنیا دل نمیبندند و به طرف آن نمی روند؟ چون سرّی در قلبشان روشن شده است. لازم نیست برای یاد گرفتن سرّ قَدَر به خانقاه و عرفان و ... برویم . بیست سال اول وقت نماز خواندن بسیاری از اسرار را برای انسان روشن می کند که هیچ جایی بدست نمی آید و وقتی کسی فهمید به هیچکس نمی تواند بگوید.

حضرت یعقوب (ع) با اینکه فرزندانش به او گفتند که یوسف را گرگ خورده ، باز اصرار به پیدا کردن یوسف داشت. چرا؟ چون قلبی داشت که می فهمید یوسف هست. اگر از اومی پرسیدند از کجا می دانی ، نمی دانست ولی سرّ می فهمید. حضرت یعقوب می گوید من بوی یوسف را می شنوم و در حدی حضرت یعقوب بالاتر می رود که می گوید بوی پیراهن یوسف را از مصر می شنوم. این سرّ است . اگر قابل گفتن بود به آن سرّ نمی گفتند.

در شب قدر قرآن نازل می شود و شب قدر در ماه رمضان است و ماه رمضان هر سال هست ، پس شب قدر هر سال هست و قرآن هم هر سال نازل می شود. می فرماید طبق این آیه ، شب قدر منحصر به شب نزول قرآن در زمان پیامبر نیست بلکه در هر ماه رمضان شب قدری هست . البته این بدان معنا نیست که آنچه در شب قدر مقدّر شده با هیچ عاملی دگرگون نمی شود بلکه کیفیت موجود شدنِ مقدر ، یک بحث است و دگرگونی در تقدیر بحث دیگری است.

مسلماً ائمه(ع) می‌توانند روح را به عالم توحید جذب کنند و شرط این که این کار توسط آن مقامات عالیه نسبت به روح ما انجام شود 2 چیز است: 1-علم به معارف این بزرگواران 2- ارادت به مقام این بزرگواران. جای تعمق و تأمل دارد و اگر بتوانیم نسبت به ائمه(ع) تواضع پیدا کنیم به همان اندازه ، برکتی به زندگی و حیات حقیقی ما وارد می‌شود، همین‌طور که اگر نسبت به قرآن بتوانیم این تواضع را بکنیم، می‌توانیم برکت پیدا کنیم و مسلم است که شرطش آن است که خودمان را چون طفل گرسنه‌ای بدانیم که هیچ نداریم و آن‌ها را همچون پدر بزرگواری بدانیم که همه چیز دارند. حال می‌خواهیم ببینیم که این تواضع به مقام قرآن و اهل بیت چه برکتی به زندگی‌ انسانها می‌دهد. است.الان شما انشاالله در مرتبه ی شاگردی قرآن هستید و تواضع در برابر آن دارید اما ببینید افرادی که حتی خود را شاگرد قرآن هم نمی دانند کجا و به چه کارهایی مشغولند؟ یا جلوی تلویزیون نشسته‌اند وخود را با یکسری از سریالهای بی محتوا مشغول کرده‌اند و یا مشغول کارهای دیگری هستند که مطمئنا سوددهی خداپسندانه ندارد. تواضع نکردن در مقابل قرآن و اهل بیت ودور ماندن از آنها زندگی‌ها را پوسیده و پوچ می‌کند که ریشه‌ی این غربت و دوری این است که افراد به خود، نمره‌ی خوب می‌دهند و از کارهای خود راضی هستند. مثلاً شما اگر وضع مالی خوب یا مدرک بالا دارید، این‌ها ملاک خوبی نیست. برکت و معیار خوبی در خاندان عصمت و طهارت است و در قرآن.

به شدت توصیه می‌شود که مواظب شیطان باشید،. شیطان آتش است و به هرجا بر خورد کند آن‌جا را هم آتشین می‌کند. آتش به هرجا برخورد کند فقط آن‌جا را نمی‌سوزاند و یا فقط گرم نمی‌کند بلکه آن را هم‌جنس خودش می‌کند یعنی آتش می‌شود و شیطان هم این گونه است. جنسش تکبر است و به خاطر این ویژگی به دنبال بهانه‌ای است که به شما نزدیک شود و شما را متکبر کند و اگر متکبر شدید، رجیم می‌شوید و از درگاه برکت دور می‌شوید و زندگی‌تان بی‌برکت می‌شود. اگر کسی در مقابل این خاندان تواضع نکند، در مقابل تلویزیون رنگی تواضع می‌کند، در مقابل لباس‌های مارک‌دارش تواضع می‌کند و یا در برابر فروشنده‌ای که جنس خوب می‌فروشد... تواضع می‌کند. آن وقت بی‌برکت می‌شود. برکت عامل رسیدن ما به مقصد وبه سعادت است. به خودتان یک چیز خوب را القا کنید :اینکه هر کسی هستید ودر هر شرایطی که هستیدبه فکر ریاست و شان و شئون وپست و مقام وحقوق بالا و...نباشید چرا که این‌ها اصلاً برکت ندارد، برکه نیست، آب ندارد، این‌ها سراب است. نظر به مقام عصمت چهارده معصوم و قرآن است که برکت برای ما می آورد.

در آیه‌ی 4 سوره‌ی دخان فرمود:"فیها یفرق کل امرٍ حکیم" در آن شب هر فرمانی بر حسب حکمت ، صادر می شود.سخنی که در مقام غیب بود و هنوز در عالم دنیا جلوه نداشت –ظاهر نشده بود- بر قلب پیامبر جلوه کرد.

"اَمراً مِن عِندنا انّا کنّا مُرسَلین" امری است از جانب ما و ما همواره فرستنده ی آن بوده ایم. مقام امر چیست؟ إنَّما اَمره اذا اراد شیئاً ان یقول لَهُ کن فیکون، مقام امر کُن فیکون است. پس این که در آن شب حقایق بر قلب کسی باز می‌شود مربوط به مقام امر است. در جای دیگر داریم"إنّما امرُهُ واحدهٌ کَلَمحِ البَصَر"، امر خدا چیست؟ امر واحدی است مثل امر انسان‌های عادی نیست، امر خدا کن فیکون است.

مقام شب قدر، مقام کن فیکون بود. خدا گفت و شد، واحد است یعنی تدریجی و کش‌دار نیست، تکراری نیست، یک مقام واحد است. "کَلَمحِ البَصَر"، مثل یک چشم برهم زدن است."انّا کنّا مُرسلین" ماهستیم که این کار را می‌کنیم و این قرآن را به این شکل می‌فرستیم، "رحمتاً من ربّک" همه ی اینها رحمتی است از طرف خدا، یعنی در آن شب مردم استحقاق این کار را ندارند، رحمت خداست که می‌آید و خوشا به حال کسی که این احوالات نصیبش شود. پس طبق این آیه می‌فرماید: شب قدر فقط منحصر به شب نزول قرآن نیست، بلکه هرسال در ماه رمضان شب قدر وجود دارد با وجود این که نزول قرآن تمام شده است.

البته این بدان معنا نیست که آن چه در شب قدر مقدر شده بود با هیچ عاملی دگرگون نمی شود بلکه کیفیت موجود شدن مقدر یک امر است و دگرگونی در تقدیر امر دیگری است. بطور مثال: اگر فطرت[[6]](#footnote-6) نداشتیم اصلاً حق را نمی‌شناختیم وچیزی نمی‌فهمیدیم و اصلاً احساس حق‌یابی نداشتیم. اما اگر کسی فطرت داشته باشد آیا بدین معنی است که حق را گرفته است؟ خیر، حق را می‌شناسد و باید همت کند و حق را بگیرد. پس حالا فطرت داشتن یک سرمایه‌ی خیلی بزرگ است نسبت به حیوانی که این احساس ذاتی را ندارد. فطرت داشتن یک رحمت بزرگی است، واقعاً به وسیله‌ی فطرت است که حقایق برای ما روشن می‌شود. فطرت یک نوری است که خداوند به قلب همه‌ی انسان‌ها ریخته است. حالا در نظر بگیرید که در شب قدر مؤمن به مقامی می‌رسد که چیزی مثل فطرت به او می‌رسد، یعنی می‌تواند نوری را دریافت کند که حقایق عالم را بشناسد. می‌دانید که شب قدر، اندازه‌های عالم برای انسان روشن می‌شود که این موضوع عجیبی است.

بیائید در شب قدر 3 چیز از خدا بخواهید که اندازه‌اش را برای ما روشن کند، شب قدر شب روشن شدن اندازه‌هاست.

1-خود خدا اندازه‌اش را برای ما بگوید تا حدی که دل ما روشن شود. اندازه‌ی ربّ یعنی چه؟ خیلی خوب است اگر کسی به مقامی برسد که بفهمد ربّ عالم یعنی چه.-با درس و بحث و کتاب نمی‌توان رب را فهمید بلکه این‌ها فقط درحدّ مقدمه، خوب هستند- تشخیص ربّ عالم، یک دل بیدار می‌خواهد که انسان حد ربوبیت حق را تا حدی بفهمد و شب قدر شرایط به گونه‌ای است که خدا کمک می‌کند که این‌ها را بفهمیم. خیلی مقام بلندی است که آدم بفهمد جهان ربّ دارد و این ربّ حکیم در زوایای حیاتش حاضر است .

2-اندازه‌ی خودتان را به شما بفهماند. در شب قدرانسان باید به بصیرتی برسد که بفهمد خودش بنده است، این که من مرد هستم یا زن ، بی‌پول هستم یا پولدار و... همه دروغ و سراب است و فقط یک چیز حق است.

در یکی از درس‌های نهج‌البلاغه حضرت در نامه‌ای به امام حسن(ع) می‌فرماید: پسرم اگر قدر خودت را بدانی هیچ وقت سقوط نمی‌کنی و برای تو شخصیتت باقی است. انسان باید در شب قدر از خدا بخواهد که قدرش را به او بنمایاند که اگر هرکسی، قدر خود را بفهمد دیگر برای چیزهای بی‌ارزش تلاش نمی‌کند.

حالا اگر کسی بفهمد که تو بنده‌ای، چه چیز را می‌خواهی پنهان کنی؟، چه چیز را می‌خواهی پیدا کنی؟، فقط یک چیز هست این که بنده‌ای. این که ما بنده هستیم در شب قدر برای انسان باید مشخص شود البته کار مشکلی است اما باید به خدا واقعاً التماس کرد که خدایا، به حق بندگانت بندگی مرا به من نشان بده. در شب قدر چیز دیگری هست که خوب است انسان از خدا بخواهد و آن این است که:

3- قدر و اندازه ی این دنیا را هم به ما بفهماند ، دنیا متاع غرور است، محل امتحان است. باور کنید که اگر این سه چیز را شما در شب قدر بگیرید از مرز انسان طبیعی بیرون می‌آیید یعنی نسبت به افراد معمولی ادراک بسیار بالایی پیدا می کنید .اما تعداد انسان‌هایی که ربوبیت ربّ و عبودیّت خودشان برای آن‌ها روشن می‌شود بسیار کم است. پس معلوم می‌شود که بسیار باارزش است. آیا وقتی در شب قدر این موارد بر انسان روشن شد و قلبش نورانی شد و ربوبیت و عبودیت روشن شد آیا باز هم بدی می‌کند یا نمی‌تواند؟ می‌تواند.

 جمله‌ی آقای طباطبائی(ره) که می‌فرمایند: این بدین معنا نیست که آن چه در شب قدر مقدر شد با هیچ عاملی دگرگون نمی‌شود بلکه کیفیت موجود شدن مقدر، یک امراست و دگرگونی در تقدیر امر دیگری است یعنی وقتی شما چشمتان بیدار شد و اندازه‌ی عبودیت خودتان را فهمیدید، فکر می‌کنید همه چیز تمام است؟ خیر، این مثل فطرت است که می‌توانید لگدمالش کنید و این بسیار ارزشمند است که چشم انسان بیدار شود و بفهمد ربّ عالم یعنی چه اما بعد از این که فهمید باید مراقب باشد که به راحتی لگدمال نکند.

امام صادق(ع) می‌فرماید: تقدیر در شب نوزدهم، ابرام-محکم کردن- در شب بیست و یکم و امضاء در شب بیست وسوم انجام میشود. اولاً شب نوزدهم شبی است که تقدیر شده یعنی شما آرام آرام اندازه‌های عالم بر قلبتان می‌رسد، شب بیست و یکم این مسئله کمی محکمتر می‌شود و شب بیست و سوم امضاء می‌شود یعنی کاملاً حد عالم برای قلب شما روشن می‌شود.

مثلاً شب‌های آخر ماه رمضان این احساس برای انسان پیش می‌آید که گوئی بیشتر از قبل، تمایل به خواندن دعا دارد و اصلاً به نظر می‌رسد که دعا خواندن جزئی از زندگی‌اش شده است مثل این است که انسان متوجه شده که باید اهل دعا باشد.

یک نکته‌ی دیگر این که شما می‌خواهید ربّ را بشناسید، یکی از ارزش‌های شب قدر این است که انسان ربّ خودش را خوب بشناسد شب نوزدهم کلیاتش به قلبش می‌رسد و رشد می‌کند، بعد عمیق‌تر می‌شود تا حدی که قلب انسان کامل شود و کاملاً می‌تواند حق مطلب را به جا آورد.

نکته‌ی دیگری که هست این که گفته می‌شود که شب قدر از هزار ماه بهتر است پس در آن شب باید اعمال خیر انجام داد که خود آن اعمال باعث گرفتن فیض شب قدر می شود وهمان فیض است که اندازه‌ها را روشن می کند.

**آیه 2.وما اَدراک ما لَیله القَدر:و تو چه دانی که شب قدر چیست؟** یعنی پیامبر چقدر می‌توانی از شب قدر بیابی. پس معلوم است که حد شب قدر آن قدر عمیق و شدید است که هرکس درجه‌ای از آن را می‌تواند بگیرد. وقتی می‌فرماید پیامبر چقدر از آن را می‌توانی درک کنی یعنی افق بلندی ‌دارد یعنی کشف حقیقت شب قدر و کشف حقیقت اشیاء و احکام و تدبیر و تسخیر آن‌ها برای هرکس به یک اندازه نیست. قدر شبی است که می‌شود اندازه‌های عالم را فهمید.

کشف حقیقت اشیاء به چه معنی است؟ هر چیزی در این دنیا هست یک حقیقتی دارد، یک چهره‌ی حقی دارد، و یک چهره‌ی باطلی. مثلاً شهوت، شما فکر می‌کنید اگر که انسان حقیقت شهوت را بفهمد، فریب آنرا می‌خورد و یا شهوت او را بازی می‌دهد؟!

یا به عنوان مثال گرسنگی برای آن است که بفهمیم به غذا نیاز داریم و غذا بخوریم که زنده بمانیم و نمیریم. این چهره ی حقی است اما اگر گرسنگی باعث پرخوری و سنگین شدن ما بشود چهره ی باطلی است. شب قدر مطلب برایمان روشن می‌شود که بسیاری از تلاش‌هایی که می‌کرده‌ایم و بسیاری از غصه‌هایمان، بی‌جا و باطل بوده است.

کشف حقیقت احکام به چه معنی است؟ وقتی حکم‌های حقیقی، حقیقتشان روشن می‌شود پس حکم‌های دروغ هم باطل بودنشان روشن می‌شود. کشف حقیقت احوالبه چه معنی است؟ در بعضی احوالات مواقعی هست که ما غصه‌ می‌خوریم در حالی که باید خوشحال باشیم و در بعضی مواقع که خوشحالیم باید غصه بخوریم و گاهی این لطف خداست که شخص احساس می‌کند حال معنوی‌اش از دست رفته و لذا غصه می‌خورد. گاهی هر چقدر به کسی می‌گوییم که پند و اندرز بپذیر، گوش نمی‌کند چرا؟ چون نمی‌داند که چه معضلی دارد که بخواهد در صدد رفع آن باشد. گاهی افرادی بودند که وقتی پیامبر قرآن را برایشان قرائت می‌کردند بسیار خوب دریافت می‌کردند چرا؟ چون می‌دانستند که چه معضلاتی در روحشان است و با این قرآن قابل حل است. حال اگر کسی نداند که چه مشکلی دارد، چه چیز را می‌خواهد برطرف کند؟ گاهی اوقات بعضی افراد علاقه‌ای به شنیدن پند و اندرز و علم و معرفت ندارند چون نمی‌دانند که مشکلشان چیست. بعضی افراد هم هستند که به هیچ وجه گوش نمی‌کند چون احوال خودش را قبول دارد که در این مواقع خدا این احوال را از او می‌گیرد تا این که شخص به حالات خوشش دل نبندد و عیوبش را بفهمد و بالاتر رود. پس باید یک علمی پیدا کرد که حال خوبی که بدست می‌آید از بین نرود.

خداوند یک سری مَلک دارد که در شب اول قبر از ما می‌پرسند "مَن ربُّک" که این ملائکه در دوران عمر هم از ما می‌پرسند "مَن ربُّک"، اما کیست که بگوید "الله ربّی جلّ و جلاله". وقتی کسی می‌خواهد بگوید "الله ربّی" واقعاً باید تمام دلش با ربّ باشد و هم چنین رّب را بشناسد.

پس کسی که ربّ را نمی‌شناسد چگونه دلش با ربّ باشد. چنین کسی هر چقدر هم گریه ‌کند آن نتیجه ی مطلوب را نمی گیرد چون آنقدر به حالات خودش اطمینان داشته که متوجه مطلوب واقعی ومعضل اصلی اش نیست.

ای برادر عقل یک دم با خود آر دم به دم با تو خزان است و بهار

شب قدر شب کشف احوال است، شب کشف تدبیر است یعنی آدم بفهمد که این عالم چگونه تدبیر می‌شود.

گاهی اوقات ما غصه‌ی بعضی از اقشار مردم جامعه را می‌خوریم در حالی که حکمت مدبّر عالم را نمی‌دانیم و نمی‌دانیم که خالق ما بیشتر از خود ما ، ما را دوست دارد.

پس شب قدر شب تدبیر عالم و تسخیر عالم است. چگونه عالم در تسخیر خداست. به عنوان مثال: گاهی انسان می‌گوید که جوانان میل به جنس مخالف دارند چون غریزه دارند و بالغ شده‌اند اما چیز دیگری است و آن، این است که خدا می‌خواهد نسل انسان‌ها زیاد شود. آیا تمایل به جنس مخالف، تمایل انسان است یا تسخیر خداست؟ تسخیر خداست. یعنی در واقع اصل انسان در دست خداست.

بعضی وقت‌ها یک مشکل روحی داریم که از خدا می‌خواهیم که برطرف کند و به خدا قول می‌دهیم که بعدا که مشکلمان حل شد نگوییم که خودمان مشکلمان را حل کردیم اما مطمئن باشید تا وقتی که خدا می بیند ما به حساب خودمان می‌گذاریم آن حاجت را نمی‌دهد.

باید به این دیدگاه برسید که تسخیر عالم در دست خداست.آن وقت می گویید و ما ادرئک ما لیله القدر و حالا ما حق داریم که همیشه در نمازهایمان بگوییم و ما ادرئک ما لیله القدر. چه شبی است آن شب، همه چیز گلستان است.

**آیه3. لیله القدر خیر من الف شهر: شب قدر از هزار ماه بهتر است.** یعنی یک شبی است که به اندازه‌ی هزار ماه نیست بلکه خیلی بیشتر است. چون زندگی که در آن بصیرت نباشد سراب است معلوم است شب قدر، شبی است که اگر انسان قدر نداشته باشد هیچ چیز ندارد. اصلا هزار ماه بی شب قدر یعنی یک عمر طولانی بدون بصیرت که فایده‌ای هم ندارد. می‌فرماید: چرا شب پربرکت است؟ به دلیل برکاتی که فرومی‌ریزد و به دلیل برکاتی که به اعمال و عبادات تعلق می‌گیرد شب عجیبی است.

انسان حقیقیت جو انسانی است که از هر چیزی حقیقتش را می خواهد. حقیقت این عالم خداست. اصل آن خداست و به خدا هم برمی گردد. حالا انسانی که در این عالم خدا را پیدا کند حقیقت این عالم را یافته است و انسانی که در این عالم خدا را نیابد حقیقت جو نیست. بخواهد یا نخواهد در این عالم سرگردان است که البته این در مورد انسان است. لذا انسانی که حقیقت جو باشد حتما متوجه امام معصوم می شود چرا؟ چون پیغمبر و ائمه حقیقت انسان هستند نه حقیقت عالم -گفتیم حقیقت عالم ،خداست- دقت کنید عاقل آن است که متوجه حقیقت عالم می شود. کسی که اصلا متوجه حقیقت عالم نشود عقل ندارد. حالا اگر کسی متوجه خدا بشود اما متوجه نشود که همه چیزها به خدا بر می گردد بطور سطحی متوجه خدا شده. انسان حقیقت جو تلاشش در جهت توجه به خداست.

یک شخصی می فرماید فقط خدا هست ، شخص دیگری می فرماید که همه عالم حتی برگی که از درخت می افتد از خداست. شخص دوم نسبت به شخص اول حقیقت جویی قوی تری دارد. پس حقیقت یابی هم درجه دارد . کسی که در عالم متوجه حقیقت عالم و حقیقت انسان است انسانی عاقل و دقیق است. چنین کسی می فهمد که امام زمان یعنی چه. یک حقیقت جو می تواند بفهمد حقیقت عالم انسانی ، امام زمانش است. گاهی اوقات هست که شخصی می فهمد که امام زمان هست وگاهی شخص دیگری می فهمد که اصلا نجاتش محال است مگر اینکه امام زمان – انسان کامل – به آن نظر کند تا کجی ها و انحرافاتش برطرف شود. محال است که کجی های ما با چند تا کتاب، جلسه ، منبر ، روضه ، نماز و ... حل شود. این ها همه مقدمه هستند تا انسان برسد به جایی که بفهمد اگر انسان کامل به آن نظر کند انحرافات و نقصهایش برطرف می شود. یعنی باید قلب امام زمان از ما راضی باشد هیچ راه دیگری هم ندارد پس لازمه اش این است که نگاه قلب ما به قلب امام زمان باشد . اما اگر شما حقیقت خود را کفش و کلاهتان بدانید نظر امام آن اثر را برای شما نخواهد داشت. و زمانی دل شما به امام زمان نظر دارد که امام زمان به این دل نظر کنند.

 حقیقت روزگار، شب قدر است. همانطور که حقیقت عالم خداست و خیلی باید دقیق باشید تا او را بیابید. بعد از اینکه او را یافتید اول راه است تازه باید سعی کنید که بفهمید نحوه حضور و ظهورش چگونه است وسپس بفهمید که چگونه می توانید با چنین خدایی ارتباط پیدا کنید .همه ی این تلاش ها ارزش دارد. وقتی می گوییم حتی برگی از درخت بدون اذن خدا نمی افتد این نحوه حضور خدا را نشان می دهد. در قرآن حتی یک آیه هم نداریم که بخواهد خدا را اثبات کند . قرآن کتاب تفسیر حضور خداوند است. حضرت امام (ره) در اول وصیت نامه خود فرمودند قرآن کتاب اسما حسنی خداست یعنی ظهور نحوه حضور خداست.

حالا امام زمان چیست؟ اینکه بفهمیم امام زمان وجود دارد یک چشم حقیقت جوی نسبی می خواهد اما اینکه امام زمان چگونه است تازه اول راه است. همین که فرمودید امام زمان چگونه است مرحله دومش پیش می آید که ما چگونه باید با جان جهان –امام زمان- ارتباط داشته باشیم. معلوم است که انسان بدون سرمایه نمی تواند تجارت کند با سرمایه کم هم نمیتواند به خود لقب تاجر بدهد پس معرفت ، مقدمه ظهور است همانطور که سرمایه، مقدمه تجارت است . لذا اولین سرمایه شما به عنوان یک انسان حقیقت جو این است که نحوه حضور امام زمانتان را در هستی بدانید پس کسی که نحوه حضور امام زمان خود را نشناسد و نداند و نفهمد نمی تواند دینداری کند. روایت داریم که مَن ماتَ و لَم یَعرِف امامَ زَمانِه ماتَ میتَهَ جاهِلیَّه. یعنی اگر امام زمانتان را نشناسید به مرگ جاهلیت مرده اید. بعد که نحوه حضور امام زمان در هستی را فهمیدید تازه دارای سرمایه می شوید. همانطور که عالم حقیقتی دارد به نام خدا ، انسان نیز حقیقتی دارد به نام امام زمان ، ایام و روزگار هم حقیقتی دارد به نام شب قدر. لذا همانطور که امام زمان شناسی سخت و دقیق است شناخت شب قدر هم لطیف و دقیق است.شب قدر شب امام زمان است.

برای شناخت شب قدر سه موضوع مطرح است: 1- بودن شب قدر 2- نحوه بودن-چگونگی- شب قدر 3- چگونه می توانیم شب قدر را درک کنیم. حالا اینکه من چگونه می توانم با آقای عالم ارتباط برقرار کنم هم سه مرحله است-مثل شب قدر- امام زمان جان انسانیت است در بین انسان ها هم هست اما یک انسان ساده نیست بلکه جان جهان است.[[7]](#footnote-7)

**آیه4. تَنزَّلُ المَلائِکهُ و الرُّوح فیها بِاِذنِ ربِّهم مِن کُلِّ اَمر:فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای انجام دادن کارها-تقدیر هر کاری- نازل می شوند.** اولا ملائکه و روح حقایق غیبی اند که طبق این آیه در شب قدر (به قلب) نازل می شوند. جنسشان از جنس جان است. اصلا روح، جنس شماست مگر خداوند طبق آیه نَفَختُ فیهِ مِن روحی نمی فرماید انسان را از روح خودم آفریدم؟ یعنی از روح ملک مقرب آفریدم . انسان از چه چیزی آفریده شده است؟ از روح خدا. -منظور از روح خدا ذات خدا نیست- روح یعنی ملک مقرب تر از بقیه ملائکه . حالا آیا ما روح هستیم یا از روح هستیم ؟از روح\_ من روحی \_هستیم . یک کاسه آب ، دریاست یا از دریا است؟ از دریا. حالا اگر به دریا وصل شد به کجا رسیده است؟ به اصل خودش . کاسه آب که از دریاست وقتی به دریا ریخته شود با دریا یکی می شود. خوشا به حال آن کسانی که در شب قدر با روح ارتباط پیدا می کنند و به دریای وجود خودشان وصل می شوند. به خدا قسم گفتنی نیست چشیدنی است اما خداوند متعال بنا داشته که به یک طریقی این چشیدنیها را به ما بگوید. پس اولا در این شب روح نازل می شود که روح ،اصل انسانیت است . اگر خواستید به اصل خودتان برسید باید ظرفیت دریافت اصل خودتان را پیدا کنید و اگر خواستید به دریا برسید و دریا را اشغال کنید باید دریا بشوید پس چه قلبی می تواند تمام ملائکه و روح را دریافت کند؟ قلب کل یعنی قلب امام زمان.این قضیه خیلی لطیف است خدا می خواهد ما را به لطائف عالم متوجه کند. بناست که ما با یک عالم دیگر اختلاط کنیم . حتی در نمازهایمان هم در همین عالم سیر می کنیم در حالی که نباید اینگونه باشد. روحی که آلوده به دنیاست شب قدر را درک نمی کند. اصلا آن را هم حس نمی کند همانطور که امام زمانش را حس نمی کند. اصلا نمی فهمد امام زمان یعنی چه . چرا شب قدر شب امام زمان است؟ چون قلب کل است و کل هستی توسط مَلک بر آن نازل می شود. از کجا بفهمیم کل هستی نازل می شود؟ از آنجا که گفته "من کل امر" به این موضوع پی می بریم.ملائکه وروح با اجازه ی ربّشان در آن شب نازل می شوند.این اجازه ی خدا در این شب قدر یک اجازه ی خاص است نه یک حکم کلّی .ملائکه، جان عالَم هستند البته به تعبیر دیگری می توانیم بگوییم واسطه هستند و کلا ملائکه محل ظهور اراده های خداوند هستند یعنی وقتی خداوند می خواهد با ما ارتباط برقرار کند باید اسما نازل شوند و لذا اسما توسط جلوه ی مَلک نازل می شوند. بطور مثال وقتی من می خواهم شما را ببینم با چشم می بینم یا با قوه بینایی ؟ قوه بینایی غیر از چشم است واسطه ی بین ذات من و شما است.

مراتب وجود به دو گونه اند: 1- مراتب نازله وجود 2- مراتب عالیه وجود

مرتبه ی عالیه اگر بخواهد به مرتبه ی نازله یک نگاه خاص بکند حتما واسطه لازم دارد که به این واسطه ها ملَک می گویند. ملک و روح ، حقایق عالم وحامل اسرار غیب هستند. حال اینها می خواهند در شب قدر بر قلب ظهور کنند .

دنیا هرچه دارد از اسرار غیب است . اسرار غیب در قلب انسان ظهور می کند . ببینید چه اتفاقی می افتد . چیزهایی نصیبتان می شود که در هیچ مکتب و کتاب و درسی نیست . آنوقت دیگر استثنایی وجود ندارد . پیرمرد و جوان و استاد و کارگر و ... همگی بهره می برند.

**آیه 5.سَلامٌ هِی حَتّی مَطلعِ الفَجر:شبی است سرشار از سلامت(و برکت و رحمت)تا طلوع سپیده.**

منظور از سلام در اینجا آنست که تمام ابعاد شما بدون آفت ورهزن و بدون شیطان است . اگر حمله های شیطان را بشناسید آنوقت می فهمید سلام یعنی چه. سلام ِکامل ، مربوط به امام زمان است قلب انسان کامل که همه ملائک را گرفته است از هر رهزن یا شیطانی در امان است. ملک و روح- تا زمان مطلع فجر - به قلب انسان کامل می ریزند و او به نشاط و وجد معنوی مطلق می رسد. پس در بین شبهای دنیای ماده ی تاریک، یک شب است که مَلک می آید که انسان را به مطلع فجر- زمانی است که انسان از تاریکی طبیعت و دنیا در آید –می رساند وآن شب، شب قدر است.

در مورد سلام هی حضرت امام (ره) می فرماید: سلام باد برآن که شان او جذب ملائکه و روح است . غیر از امام زمان شامل حال چه کسانی می شود؟ کسی که به قلب امام زمانش نزدیک است . کسی که قلبش تا حدی معصوم است یا از گناه توبه کرده است . چنین قلبی آماده جذب ملک و روح می شود. دلیل آنکه "هی" آورده شده بخاطر آن است که به قلوب بر می گردد.پس دانستیم که "سلام"، دادن امنیت محض به آن کسی است که در آن شب توانسته است شب قدر داشته باشد تا وقتی که صبح طلوع می کند و مراد از صبح ، آن وقتی است که پرده های ظلمت کنار برود.

امام (ره) فرمودند : "سلام هی حتی مطلع الفجر، برای آن کسی است که شان او جذب ملائکه و روح است.در این سحر ربّانی همراه با سفر نفسانی سلامت –دوری از شیطان- هست کسی که در این سیردر لیالی مظلمه ی طبیعت تا رویت جمال احدیت است سلامت هست ؛ ولی برای بقیه سلامت نبوده و فجر طلوع نمی کند." پس برای چه کسی روز می شود و حقایق روشن می شود ؟ برای کسی که شب قدر داشته باشد و بتواند مَلک بگیرد. و همانطور که گفته شد کسی که قلبش شبیه معصوم باشد می تواند ملک بگیرد. حال قلب معصوم چه می کند؟ 1- فکر گناه نمی کند. 2- گناه نمی کند. ما هم اگر گناه کنیم و توبه کنیم از ما می پذیرند و قلب ما معصوم می شود و می تواند مَلک بگیرد ، با این تفاوت که امام معصوم قلبا هم گناه نمی کند. حالا وقتی قلب انسان ملک بگیرد چه می شود؟برایمان صبح حاصل می شود و جنس قلب ما جنس صعود و جنس ارتباط با عالم معنا می شود . بعضی افراد در این دنیای تاریک برنامه ریزی هایی در زندگیشان می کنند ولی عملی نمی شود. از هر طرف می روند به مانع می رسند. چه کسی به موانع برخورد نمیکند؟ آن کسی که چشمش بیدار است و صبح برایش طلوع کرده است. کسی که از دیوار دنیا بالاتر آمده و توانسته با ملک ارتباط پیدا کند کسی است که شب قدر داشته و لاغیر.

آیا ممکن است یک روز خدا به لطف و کرم خودش به ما بگوید سلام. ما یک نماز دورکعتی می خواهیم بخوانیم شیطان از این طرف و آن طرف حمله می کند.قلب بیچاره ما به جای جذب ملک ، آجر و سیمان جذب می کند. همین که شما یاد آجر می افتید یعنی قلب شما آجر جذب کرده.خوب اگر یاد خدا بیفتی قلب شما خدا را جذب کرده است یعنی قلب ، امام زمان جذب کرده است. چقدر با ارزش است که انسان انرژی های خود را صرف کند تا یک شب قدر ارزشمند داشته باشد.با خواندن سوره ی قدر، توجه به هدف عالیه برای ما حاصل می شود.در چنین شبی انسان می تواند سرمایه کل حیاتش را برنامه ریزی کند به شرط آنکه کل حیاتش را برای آن شب برنامه ریزی کرده باشد. پس یک هدفگیری کامل است. به عنوان مثال : شما می گویید من می خواهم 15 سال درس بخوانم تا فلان مدرک را بگیرم. به این ، هدفگیری می گویند. حال به شما می گویند می توانید شب قدر داشته باشید یعنی باید یک عمر تلاش کنید تا یک شب قدر داشته باشید . این یک هدفگیری کامل است ، که مقدمات و موخرات می خواهد. مقدمات بهره مند شدن از شب قدر، دو چیز است : 1- معرفت 2- تزکیه یعنی شما باید معرفتی در حد فهم شب قدر داشته باشید. همچنین تزکیه کرده و آماده باشید که قلبتان این ملک را بگیرد.

تکرار سوره قدر با این تاکید برای این است که سه چیز حفظ شود: 1- معرفت 2- تزکیه 3- هدفگیری

یعنی اولاًدائم باید متوجه باشیم که یک هدف بزرگ –شب قدر- در پیش روی ماست. ثانیاً با تکرار این سوره معرفت به این حقایق را در خودمان محکم کنیم. شما وقتی ذکر لااله الا الله می گویید چه چیزی را در خودتان تاکید می کنید؟ معرفتی که جز خدا ، اله و معبودی نیست در شما تثبیت می شود. معرفت شما با شخصیت شما جفت می شود. خود تکرار سوره قدر یک عبادت است ، چون باعث می شود معرفتتان محکم شود و تمرکز قلبی پیدا کنید و همین تمرکز، باعث دوری از دنیا و در نهایت تزکیه می شود.

آیت الله ملکی تبریزی می فرمایند: دیدن شب قدر –مراد دیدن مکاشفه ای آنست- یعنی قلبتان متوجه چیزهایی بشود که قبلا نمی دانسته اید . پس قلبی که یک سال به عشق شب قدر گناه نکرده متمرکز شده ، عبادت کرده ، از دنیا دور شده و چنین کسی کم کم شب قدر را درک می کند. و این بسیار عالی است. دیدن شب قدر یعنی دیدن نزول فرشتگان .

اگر کسی چشم حقیقت بین پیدا کرد ، آنوقت شب قدر برایش معنای دیگری پیدا می کند . آمادگی های روحی در طول سال ، موجب می شود که شب قدر به ثمر برسد. ممکن است کسی بپرسد که شب قدر ما به روایتی شب بیست و سوم است ولی شب قدر مردم مصر شب بیست و دوم ما باشد . در روایت داریم پانزدهم شعبان روز عجیبی است لحظاتش را دریابید یا بیست و هفتم ماه مبارک رمضان دعایی شبیه دعای شبهای قدر دارد این در حالی است که امام ما فرموده اگر این اعمال را انجام بدهی به تو نظر خواهد شد. حالا ما این اعمال را شروع کردیم و بیست و سه روز به طول انجامید از آنجا که وعده داده که روز بیست و سوم به ملاقات ما می آید پس هر کس تکلیفش این است که از روز اول ماه طبق کشور خودش شروع کند در نتیجه روز بیست و سوم درهای آسمان به اذن خداوند به رویش باز می شود.

لذا مومن باید تلاش کند ماه را رویت کند و مطمئن شود که ماه مبارک شروع شده و از شب اول شروع کند تا به شب بیست و سوم برسد . اگر کسی مقدماتش را انجام داده باشد مطمئناً نتیجه مطلوب را می گیرد.

 والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

1. در حدیث قدسی داریم که : ای بنده من از من اطاعت کن تا تو را مثل خودم قرار دهم. [↑](#footnote-ref-1)
2. در آخر سوره مبارکه بروج در رابطه با این مسئله بحث شده است. [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره مبارکه شعرا آیات 192تا194 [↑](#footnote-ref-3)
4. و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم. [↑](#footnote-ref-4)
5. آیه 82 سوره مبارکه یس" انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون" [↑](#footnote-ref-5)
6. .فطرت یک مقام آگاهی ذاتی است که به وسیله‌ی آن شما بهتر می‌توانید حق را بشناسید و عمل کنید. [↑](#footnote-ref-6)
7. نوارهای نحوه حضور امام زمان در هستی را سعی کنید گوش کنید. [↑](#footnote-ref-7)